

روایت آیناز فرامرزی، ملی پوش قاسم آبادی که با مدال نقره از ناگویا برگشت

تکواندوکاری که ستاره کبدی ایران شد



راه تجربه

هدف بعدی
کاپیتانی

حالا آیناز برای آینده یک هدف روشن دارد؛ کاپیتانی تیم ملی. مهاجم تیم ملی می گوید: کاغذ روی سقف را روزهایی که خسته می شدم یا حوصله تمرین و ادامه دادن نداشتم نگاه می کردم و یاد می افتاد برای چه چیزی باید دوباره از جایم بلند شوم. می خواهم از این به بعد آن قدر نگاهش کنم تا به کاپیتانی برسم.

آیناز فرامرزی دانشجوی رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی در دانشگاه خيام بوده و تا ترم پنجم پیش رفته است. اما هم زمانی اردوهای تیم ملی با دانشگاه و نبود همکاری لازم برای ادامه تحصیل، باعث شد از دانشگاه انصراف بدهد. حالا تصمیم دارد با سهمیه نایب قهرمانی، دانشجوی تربیت بدنی دانشگاه فردوس شود و در سرش راهم دنبال کند.

قاسم آباد، جایی
که دوست دارم

با وجود همه سفرها، اردوها و مسابقات، آیناز هنوز دل بسته محله اش است. از کوچه به کوچه محله حرف می زند و از بوستان ایمان خاطرات ورزشی خوبی دارد.

او می گوید: به نظرم ژاپن خیلی تمیز، آرام و مدرن بود. ولی هیچ جا برایم مشهد نمی شود. اگر وقت آزادی پیدا کنم، دوست دارم در همین پارک محله مان قدم بزنم. همسایه ها و سوپری محلمان خیلی با معرفت هستند. بعد از بازگشتم، سوپر محله مان برای موفقیت من خوشحالی می کرد و روی سرم شکلات می ریخت.

آیناز از کمبود امکانات هم حرف می زند. به اعتقاد او، برای ورزشکاران حرفه ای کبدی در مشهد، امکانات کافی وجود ندارد؛ «در مشهد سالن شهید بهشتی مهم ترین فضای تمرین کبدی است و یک سالن چند منظوره دیگر نیز وجود دارد که نوبت استفاده از آن همیشه مشخص نیست».

آیناز می گوید: کبدی نیازمند یک خانه تخصصی و مستقل است؛ فضایی که بازیکنان بتوانند مانند ورزشکاران رشته های دیگر با شرایط حرفه ای در آن تمرین کنند. در آخرین اعزام هم قرار بود پیش از مسابقات مبلغی به بازیکنان پرداخت شود، اما چنین حمایتی از سوی مسئولان خراسان رضوی انجام نشد؛ در حالی که از برخی استان ها نمایندگان مسئولان به اردو رفتند و بازیکنانشان قدر دانی کردند.



سمیرا شاهیان ساکن قاسم آباد است و به تازگی با عنوان نایب قهرمانی از ژاپن برگشته؛ از مسابقاتی که برای او و هم تیمی هایش فقط یک رقابت ورزشی نبود. بلکه گذشتن از سدی بود که منجر به پیروزی تیم ملی بزرگ سالان کبدی ایران بعد از حدود هشت سال در برابر یکی از رقبای اصلی اش شد. در هفته گذشته که خبرهای خوش موفقیت ورزشکاران ایران در آوردگاه آسیایی ناگویا با کسب بیش از پنجاه مدال رنگارنگ برایمان شادی به ارمغان آورد، مهمان یکی از این ورزشکاران در محله لشکرشدم.

قرارمان با آیناز فرامرزی، یکی از دختران نقره ای تیم ملی کبدی ایران، دو روز بعد از بازگشتش در خانه شان است. در اتاق آیناز، اولین چیزی که جلب توجه می کند نه مدال هاست و نه حکم های قهرمانی، یک برکه پرینت رنگی از لوگوی مسابقات آسیایی است که از ماه ها پیش، قبل از آنکه راهی ناگویا شود، بالای تخت خوابش، روی سقف چسبانده است. و یک مدال شبیه سازی شده بازی های آسیایی که از گوشه آینه اتاقش آویزان شده؛ درست کنار دو برکه کوچک که روی یکی از آن ها مصرعی از مولانا نوشته است «اندیشه ات جایی رُود، و آنکه تور آنجا کشد»، و روی دیگری «من بهترین مهاجم ایرانم».

خدا حافظی
ناگهانی با
تکواندو

مهاجم تیم ملی کبدی ایران، متولد ۱۳۸۲ است. یک دختر مشهدی، موفق و با انگیزه. حدود هشت سال است که کبدی کار می کند، اما پیش از این، او رزمی کاری حرفه ای بود که یک دعوت دوستانه مسیر ورزشی اش را از دان ۳ تکواندو به سمت کبدی تغییر داد. آیناز می گوید: یک روز به پیشنهاد یکی از دوستانم به تماشای کبدی دعوت شدم. رشته ورزشی من، انفرادی بود و خیلی تمایلی نداشتم حتی به تماشای کبدی بروم. به توصیه مادرم و برای احترام به دوستم، رفتم. در سالن، جو دوستانه، صمیمیت بازیکنان و شور و هیجان آن تیم باعث شد نظرم عوض شود. با اینکه سال ها در رشته های سنی مختلف در تکواندو مسابقه داده بودم و قهرمانی استان و عنوان فنی ترین بازیکن کشور را داشتم، تکواندو را کنار گذاشتم. مربی ام، خانم باغ دستراف از این تصمیم خیلی تعجب کرد و واکنش ها به تصمیم خیلی شدید بود، ولی من بالاخره رشته ای را که سال ها برایش زحمت کشیده بودم، کنار گذاشتم و وارد کبدی شدم.

۵ سال حضور
در تیم ملی

آیناز از سال ۱۴۰۰ وارد تیم ملی شده است. در این سال ها، قهرمانی آسیا و حضور در مسابقات جهانی را تجربه کرده و حالا حضور در فینال مسابقات آسیایی ناگویا را هم به کارنامه اش اضافه کرده است. دختر ورزشی محله لشکر از شش هفت سالگی رشته های مختلف را امتحان کرده؛

بسکتبال، فوتبال که مدتی دروازه بان بوده، کاراته و بعد تکواندو. ورزش در خانواده او موضوعی متفرقه نیست. پدرش تکواندوکار بوده و مادرش در دوومیدانی فعالیت حرفه ای داشته است و هنوز هم آن را پیگیری می کند. برادرش هم فوتبالیست است. این جوان ورزشی می گوید: من تکواندو را خیلی دوست دارم و اگر در این رشته می ماندم، احتمالا می توانستم دردهای جوانان یا بزرگ سالان به تیم ملی برسم، ولی رسیدن به موفقیت در کبدی سریع تر بود. با این حال، هنوز تکواندو را کامل از زندگی ام حذف نکرده ام و یک روز دوباره سراغش می روم، برای مربیگری و شاید ارتقای دان هایم.

سدهی که بعد از
سال شکست

آیناز از شرایط این دوره از مسابقات می گوید که بیست و ششم شهریور امسال اعزام شدند؛ «تیم ما تقریباً چهار روز بعد از اعزام به اولین بازی رسید و فرصت زیادی برای تطبیق با شرایط جدید نداشت. حدود ۱۰ ساعت پرواز تا شانگهای چین و بعد ادامه مسیر به ژاپن. پروازهای طولانی و اختلاف ساعت زیاد داشتیم و همین شروع مسابقات را سخت کرده بود. ما ۱۰ روز در ژاپن بودیم و هر روز یک مسابقه داشتیم. اما پیش از رسیدن به ناگویا، هشت ماه در اردو تمرین کرده بودیم».

مسابقات آسیایی برای تیم کبدی یک تفاوت مهم داشت: تیم ملی ایران بعد از هشت سال، تیم چین تایپه، رقیب سرسختش را شکست داد. مهاجم تیم ملی کبدی ایران از این اتفاق به عنوان یکی از دستاوردهای مهم مسابقات یاد می کند و می گوید: مادر این رقابت ها از ژاپن و بنگلادش بردیم، ولی در برابر هند، بازی را واگذار کردیم. ما فقط ۳ امتیاز عقب بودیم و باخت معنی ندارد؛ زیرا از نظر فنی و تکنیکی چیزی کم نداشتم.

برای ورزشکاری که سال ها منتظر چنین رقابتی بوده، شنیدن خبر آسیب دیدگی آسان نبود. آیناز می گوید: در یکی از اردوهای تهران، زانویم آسیب جدی دید. پزشکان حتی احتمال جراحی دادند و گفتند ممکن است مسابقات را از دست بدهم. آن روزها از نظر روحی شرایط سختی داشتم چون اصلاً فکر آسیب دیدگی را نمی کردم. وقتی شرایط جنگی پیش آمد و بخشی از اردوها لغو شد، همین اتفاق باعث شد مراحل درمان را پیگیری و فرصت دوباره برای پوشیدن پیراهن تیم ملی پیدا کنم.